

نکات قانون به لغو سخرانی‌ها

به منظور بررسی جریانات و پیشامدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن، شورای امنیت به مسئولیت وزیر کشور تشکیل می‌شود.
برابر تبصره ۲ ماده ۳ این قانون، اعضای شورا را وزیر کشور، یکی از مشاوران مقام معظم رهبری در شورای‌عالی دفاع به تعیین آن شورا، رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده کل سپاه پاسداران، مسئول اطلاعات کل کشور، رئیس شهرپاتی کل کشور، سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی و فرمانده ژاندارمری کل کشور- که این دو نهاد در نیروی انتظامی کشور ادغام شده‌اند- صرفا به‌منظور مشورت در امور امنیتی تشکیل می‌دهند و تصمیم‌گیری در امور مذکور برعهده وزیر کشور است.
برابر ماده ۴ همین قانون، مسئول امنیت در استان‌ها استاندار است و وظایفی مشابه وظایف شورای امنیت کشور دارد با این تفاوت که اعضای آن عبارت‌اند از: استاندار، فرمانده سپاه پاسداران مستقر در مرکز استان، رئیس شهرداری استان و فرمانده ژاندارمری و فرمانده نظامی که در طرح ادغام تعریف خاصی خود را پیدا کرده‌اند و مسئول کل اطلاعات استان.
برابر تبصره همین ماده به استاندار اختیار داده شده است که دادستان استان و دادستان انقلاب اسلامی را که با قوانین جدید، شخصیت واحدی هستند، برای شرکت در شورای تأمین استان دعوت کند.
شورای تأمین شهرستان هم برابر ماده ۷، زیر نظر فرماندار و دیگر مقامات تشکیل می‌شود.
پرسش مهم این است؛ موضوع سخرانی آقای دکتر مطهری به فرض طرح در شورای امنیت، آیا در شورای امنیت استان مطرح شد یا در شورای امنیت شهرستان مشهود؟
علی‌الظاهر با توجه به تغییر فرماندار مشهد باید این جلسه در شورای شهرستان تشکیل شده باشد.
حسب ماده ۹ قانون فوق‌الذکر، شورای تأمین مانند شورای امنیت کشور صرفا به‌منظور مشورت در امور امنیتی تشکیل می‌شود و حق تصمیم‌گیری با نمایندگان وزارت کشور (استاندار- فرماندار- بخشدار) است.

حال با وصف و ذکر موارد قانونی بالا، مجموعه تصمیم‌گیر برگراری سخرانی در هر استان معلوم و مشخص است و زمانی که مجوز از طرف وزارت کشور برابر قانون احزاب صادر و در صورت لزوم موارد امنیتی در شورای تأمین استان بررسی شد، دیگر موجبی برای لغو مجوز صادره قانونی باقی نمی‌ماند.
۳- علی مطهری را نمی‌توان به عنوان شخص حقیقی که نظری گرفت و تفاوت دارد با امثال نگارنده که دانشجویان به دلخواه و در مناسبت‌های مختلف با طی همان مراحل به سخرانی دعوتش می‌کنند و اگر مجوز سخرانی به هر علت لغو شود -چون فاقد ابعاد دیگر حقوقی هستیم- تبعات و اثرات منفی آن کمتر خواهد شد.
هرچند لغو مجوز سخرانی هر فرد که با طی مراحل قانونی صادر شود، وجهات قانونی ندارد.
علی مطهری در استان خراسان از حق آب و گلی برخوردار است که دیگران فاقد آن هستند.
استاد شهید مرتضی مطهری زاده استان خراسان و اهل فرمان است؛ این از تبار محلی دکتر علی مطهری.
دوما ایشان جدای از اینکه نماینده مجلس است و نمایندگان مجلس از هر منطقه‌ای که باشند، نماینده کل ایران محسوب می‌شوند، برابر اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کند.
برابر اصل ۸۶ قانون اساسی، نمایندگان در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملا آزادند که بسیاری از حقوق دانان، این اصل درباره نمایندگان و وظایف آنان را دلیل محکمی بر لزوم‌نداشتن اخذ مجوز سخرانی و محدودیت‌های ناشی از قانون احزاب نسبت به نمایندگان می‌دانند و بر این باورند قانون عادی نمی‌تواند برای نماینده ایجاد مانع کند و وزیر کشور هم نمی‌تواند به بهانه صدور مجوز، حق اعطاشده به وسیله قانون اساسی را از نمایندگان سلب کند.

۴- صرف نظر از قانون اساسی و قانون احزاب و قانون تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور، این پرسش مطرح است آیا فی الواقع بود این هزینه سنگین را بر نظام بار کنند و با لغو سخرانی نایب‌رئیس مجلس که در تشریفات قانونی- به رغم نگارنده غیرالزام- دارای مجوز هم بوده است، این قضاسازی پیش بیاید؟

۵- ختم کلام برمی‌گردد به اظهارنظر برخی افراد که نظرات شخصی خود را در این‌باره بیان کرده‌اند.
آیت‌الله موحدی‌کرمانی، قمشهری نگارنده، دبیرکل جامعه روحانیت مبارز، گفتمانی را پیش کشیده‌اند که در آن از مصالح نظام صحبت می‌کنند و می‌گویند سخنان علی مطهری به مصلحت کشور نیست.

پرسش این است، مگر می‌شود پیش از سخرانی یک فرد، پیش‌گویی کرد که چه می‌خواهد بگوید؟! ایشان بهتر از هرکسی می‌دانند «عقاب بلایان» نداریم و تا جرمی به وقوع نپیوندد، صدور حکم محکومیت آن‌هم به بهانه به‌مصلحت‌نبودن سخنان نایب‌رئیس مجلس آن هم در خصوص واقعه کربلا، جای گله و شکایت از آیت‌الله دارد.
بگذریم که تیر «لغو این سخرانی کمر ملت را شکست» یکی از روزنامه‌ها، خود‌جای تأمل دارد که چه وصل و ربطی بین سخرانی علی مطهری و بی‌کاری، رکود و حقوق‌های نجومی وجود دارد؟! سخن آخر، آیا فکر آن را نکرده‌ایم که بازخورد لغو مجوز اجتماع چندده‌نفره در محیطی بسته و کاملا کنترل‌شده چیست و این‌گونه متبادر به ذهن می‌شود که مسئولان امنیتی، خدای ناکرده، ناتوان از کنترل مراسمی هستند که جمعیتی مشخص و صاحب تابلو، پای سخرانی مذهبی نایب‌رئیس مجلس این کشور نشسته‌اند؟

شرق، مهتاب قلی‌زاده، شکوفه حبیب‌زاده: بیش از ۶۱ هزار و ۲۰۰ «فالوئر» سرلشکر پاسدار، محسن رضایی‌میرقاند حدود ۱۰ روز پیش در صفحه رسمی‌اش در اینستاگرام، با این پرسش مواجه شدند: «#شما خوانندگان بگویید این پول‌ها در کدام بازارهایی می‌چرخد که رونق اقتصادی و اشتغال را نتوانسته حل کند؟ بی‌کاری طی شش ماه گذشته بیشتر هم شده است».

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، عکسی تازه با عنوان «پول‌ها کجا هستند؟» منتشر کرد و در یادداشتی کوتاه، مردان اقتصادی دولت را به چالش کشید. او زیر عکسی با زمینه سیاه و چند اسکناس معلق در هوا، نوشته بود: «هنگامی که از مسئولان اقتصادی، بانکی دولت پرسیده می‌شود چرا در بازار پول نیست جواب روشنی به مردم نمی‌دهند. با توجه به اینکه نقدینگی دولت آقای روحانی طی چهار سال گذشته چندبرابر شده است؛ چرا پول در جیب مردم نیست و خریده‌ها کم شده است؟

خریداران تبدیل به تماشاچی در بازار شده‌اند. خانم‌ها و جوانان که بیشترین مشتریان مغازه‌ها هستند پولی در جیبشان نیست، نقدینگی از مرز یک میلیون میلیارد تومان گذشته پس چرا پول دست مردم نیست و تقاضای کل پایین آمده است؟ بالاخره این پول‌ها در جایی در حال کارگذاری و فعالیت هستند. آنجا کجاست؟ خوب است دولتمردان برای مردم توضیح بدهند».

چهاره‌ار و ۲۵۱ نفر این پست را لایک کرده‌اند و ۵۸۵ نظر هم نوشته‌اند؛ نظری‌های متفاوت و برخی به‌شدت متناقض. برخی به تندترین شکل ممکن، به پرسشی که رضایی مطرح کرده پاسخ داده و برخی دیگر از او طلب کمک کرده‌اند. برخی گفته‌اند که حرف دلشان زده شده است و برخی دیگر هم این سؤال را از اساس خنده‌دار دانسته‌اند؛ چراکه رضایی خودش پاسخ آن را می‌داند.

«شرق» هم پرسش محسن رضایی را از کارشناسان اقتصادی پرسیده است که در پی می‌آید. پیش از آن اما چند نکته طرح می‌شود. «محسن رضایی» اقتصاد خوانده است. از رساله دکترایش با عنوان «پول، اعتبار و تعادل عمومی» دفاع کرده است. او بعدتر همین رساله را در قالب کتابی با همین عنوان منتشر کرده است. آیا اقتصاددانی که اتفاقاً تمرکز تحصیلی‌اش بر موضوع «پول» بوده است، پاسخ این پرسش را نمی‌داند؟ گذشته از این، او در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این نهاد، حضوری فعال و مؤثر داشت و بعدتر فرمانده کل سپاه شد. هرچند بعدتر استعفا داد، اما از سال گذشته دوباره به این نهاد بازگشته است. رضایی پیش‌تر رئیس کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و اکنون هم دبیر این مجمع است. با این اوصاف همواره در یکی از لایه‌های مدیریتی بالای کشور حضور داشته است. آیا یک اقتصاددان مدیر، نمی‌داند که نقدینگی رشدکرده در کشور صرف چه شده است؟ یا می‌داند و از مطرح‌کردنش هدف خاصی را دنبال می‌کند؟ اگر پاسخ را می‌داند، در ساده‌ترین تحلیل می‌توان «ارتباط مستقیم با مردم» را دلیلی برای طرح این پرسش دانست و در تحلیلی پیچیده‌تر می‌توان گمانه نزدیکی به انتخابات را پررنگ دید. به‌ررو «شرق» پرسش رضایی را از اقتصاددانان پرسیده است. در سال‌های گذشته پایه پولی کشور همواره مسیری صعودی را پیموده است. افزایش پایه پولی و البته نقدینگی‌ها اما تقریباً بر بخش‌های واقعی اقتصاد بی‌اثر جلوه کرده است. با رشد این چنینی نقدینگی، نه تنها تولید رونق نگرفته، بلکه تورم هم کاهش خزنده داشته است. واقعیت این است که بی‌اثربودن رشد نقدینگی در یک اقتصاد سالم و حتی نیمه‌بیمار طبیعی نیست اما شاید برای اقتصاد در رکود ایران طبیعی‌جمله جوده. برخی احتمال می‌دهند این نقدینگی در حساب‌ها و سپرده‌های بانکی افراد نشسته باشد؛ ترکیب نقدینگی هم نشان می‌دهد بخش شبه‌پول بیش از بخشی پولی رشد کرده است. بیش از دو دهه است که این موضوع با عنوان «پارادوکس نقدینگی» از سوی اقتصاددانان بررسی و تحلیل شده است. برای نمونه، عباس شاکری، رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران» به شکل مفصل به این بحث پرداخته است. پارادوکس نقدینگی به این معنا است که در اقتصاد ایران در دوره‌هایی که به دلایل مشخص، بی‌سابقه‌ترین رشد‌ها در نقدینگی رخ می‌دهد، حادترین بحران‌ها به مردم تبدیل‌گشته‌اند معطوف می‌شود؛ یعنی آنها با بحران کمبود نقدینگی روبه‌رو هستند؛ درحالی‌که اقتصاد با رشد بی‌سابقه نقدینگی روبه‌رو است.

اقتصاد

محسن رضایی، دولت را با طرح پرسش «پول‌ها کجاست؟» به چالش کشید

معمای اقتصادی «سردار»



شما خوانندگان بگویید این پول‌ها در کدام بازارهایی می‌چرخد که رونق اقتصادی و اشتغال را نتوانسته حل کند؟ بیکارت طی شش ماه گذشته بیشتر هم شده است

مسئولان، پاسخ‌گویی را وظیفه خود نمی‌دانند

حمیدرضا برادران‌شرکا، رئیس اسبق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

رشد نقدینگی در کشور همچون اکنون بسیار بالاست و چیزی در حدود ۳۰درصد را نشان می‌دهد و دولت نیز آن را پذیرفته است. از آنجا که حجم نقدینگی موجود بسیار بالاست، بنابراین رشد آن نیز، رقم چشمگیری را نمایان می‌کند. هرچند رشد نقدینگی بالا در اقتصاد ایران عجیب نیست، بانک مرکزی درحال‌حاضر باید توضیح دهد که این نقدینگی در اثر چه اقدامی حاصل شده است. به نظر می‌رسد دولت ناچار بود درآمد حاصل از نفت را به ریان تبدیل کرده و به خزانه می‌ریخت و در این شرایط نخواست بانک‌ها در شرایط رکودی، منابع پولی خود را از دست بدهند و بنابراین خود وارد عمل شده است.

نزدیک به انتخابات، رقای انتخاباتی مسائلی که مورد سؤال مردم است را مطرح می‌کنند. در اینجا مسئولان باید وظیفه خود بدانند که بلافاصله به این پرسش‌ها پاسخ داده و به ابهامات خاتمه دهند. زمانی‌که در سازمان برنامه‌بودچه مسئولیت داشتم، وقتی اظهارنظر مردمی در قالب بریده جرائد از سازمان منتشر می‌شد، کارشناسان او را فراخوانده و از آنها می‌خواستیم پاسخ آنها را به شیوه‌ای منطقی و مؤدبانه بدهند، زیرا مسئولان، باید پاسخ پرسش‌های مردم را بدهند.

این پرسش‌ها از اکنون تا زمان انتخابات بیشتر هم مطرح خواهد شد و مسئولان باید گوش‌به‌زنگ باشند و کارشناسان خود را بسیج کنند و به محض طرح پرسش از سوی مردم، به آنها پاسخ دهند. اما اکنون می‌بینیم با وجودی‌که پرسش‌های پرشماری در شبکه‌های اجتماعی در رابطه با موضوعات مختلف اقتصادی مطرح است، پرسش‌ها بی‌پاسخ می‌ماند. گویانکه مسئولان، پاسخ‌گویی را وظیفه خود نمی‌دانند. در حقیقت، طرح پرسش از مسئولان نزدیک به انتخابات طبیعی است، آنچه غیرطبیعی است، پاسخ‌نندادن مسئولان به پرسش‌های مردم است.

اعلام‌موضع رضایی درمقابل دولت

بهروز هادی‌زنوز، اقتصاددان اظهارنظر مسئولی مانند محسن رضایی، به نظر می‌رسد بیش از آنکه از بُعد اقتصادی مطرح باشد، از بعد سیاسی مدنظر است. محسن رضایی، فردی سیاسی است و احتمال دارد دوباره بخواهد کاندیدای ریاست‌جمهوری شود؛ بنابراین از هم‌اکنون به دنبال آن است که موضعی در مقابل دولت بگیرد.

کسی که پس از سه تا چهار سال بحران بانکی، اکنون بیرسد پول‌ها کجاست، به نظر می‌رسد آگاهی کافی از موضوع ندارد، یا انگیزه‌ای سیاسی در پس طرح این موضوع از جانب او مطرح است. او قصد بیان این موضوع را دارد که مشکلات موجود اقتصادی ایران، ناشی از نهاد مالی و بانکی است. این موضوع درست است؛ اما باید تحلیل کرد چرا نهاد‌های مالی به این روز افتاده‌اند که چنین تحلیلی در سخنان او دیده نمی‌شود.

انگیزهٔ بیان پرسشی «درست»، مهم نیست

بایزید مردخی، اقتصاددان نقدینگی درحال‌حاضر بین مردم در چرخش است. کمی به‌صورت اسکناس و پول نقد و بیشتر در قالب حساب‌های بانکی نزد مردم قرار دارد. بخشی از این نقدینگی

به‌نوعی نیازهای مردم و صنعتگران را تأمین می‌کند و بخشی از آن که حجم آن به‌شدت در حال فزونی است، در چرخه معیوبی قرار گرفته است. در واقع پول در دست مردم در حال چرخش بیبوهه است اما در جایی به‌عنوان سرمایه رسوب نمی‌کند. اکنون بخش صنعت به نقدینگی بسیاربالایی محتاج است. از طرفی نقدینگی در سیستم بانکی هم بسیار کم است، زیرا تسهیلات پرداخته شده اما به سیستم بانکی بازنگشته است و به همین دلیل بانک‌ها هم قادر به پاسخ‌گویی به سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی نیستند. چرخه نقدینگی مولد در کشور بسیار ضعیف شده است، اما در مقابل نقدینگی در بخش‌های نامولدی مانند برج‌سازی خوابیده است. این برج‌ها در حال ساخت یا تکمیل شده است. از سویی تسهیلاتی که برج‌ساز گرفته است، باید دو سال پیش تسویه می‌کرده، اما از آنجایی که رقم این صنعت دچار رکود شده در تیراهن و سیمان و زمین و... منجمد شده و در نتیجه از چرخه گردش مولد خارج شده است.

اینکه مسئولی مانند محسن رضایی این موضوع را بیان می‌کند، انگیزه‌اش هرچه باشد مهم نیست، اما سؤال خوبی را مطرح کرده است. مسئولان باید پاسخ دهند که این نقدینگی در کدام بخش‌های اقتصادی رسوب کرده و در کدام بخش‌های اقتصادی در چرخش است. هیچ اطلاع مؤثقی درباره اینکه این نقدینگی در کدام بخش در حال گردش یا رسوب است، وجود ندارد، درحالی‌که رقم این نقدینگی بسیار بزرگ و درخور توجه است و ضرورت روشنتری درباره آن نیز امری دارای اهمیت، چراکه کمک می‌کند

قضاوت‌ها درباره امور اقتصادی درست‌تر باشد. **سرعت گردش پول، حلقه مفقوده نقدینگی بی‌اثر**

کامران ندری، مدیر گروه سابق بانکداری اسلامی در پژوهشکده پولی و بانکی

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام یک پرسش مطرح کرده‌اند که به گمان من با این پرسش جذاب، اقتصاددانان را به چالش کشیده است. موضوعی در اقتصاد ایران وجود دارد که ربطی هم به این دولت و آن دولت ندارد. در سال‌های گذشته، نقدینگی همواره رشد کرده؛ اما نرخ رشد اقتصادی، اگر کاهش پیدا نکرده، در بهترین شرایط ثابت مانده است. البته در سه، چهار سال گذشته، موضوع دیگری هم به این برش‌دی اضافه شده است؛ آن هم اینکه تورم هم رشد نکرده است. پس در مجموع دیده می‌شود که نقدینگی رشد چشمگیری داشته؛ اما نه تورم بالا رفته است و نه نرخ رشد اقتصادی. با این وصف، این یک پرسش طبیعی است که این نقدینگی در کجای اقتصاد کشور قفل شده است؟ زمانی که این نقدینگی‌نه در اختیار عوامل تولید است و نه در دست مردم، رهگیری اینکه در کجای اقتصاد فریز شده است، بسیار سخت و پیچیده می‌شود. تنها بانک مرکزی می‌تواند به این پرسش، پاسخی دقیق بدهد.

در دیگر کشورها، اقتصاددانان با توجه به داده‌هایی که بانک‌های مرکزی منتشر می‌کنند، می‌توانند تکنیک‌هایی را به‌کار بگیرند که با آن، روند جریان پول را در اقتصاد ردگیری کنند. نمونه این تکنیک‌ها، «جدول جریان وجوه» است. متأسفانه اینها در اقتصاد ایران تولید نمی‌شود. به گمان من، اگر بانک مرکزی چنین ابزارهایی داشته باشد، می‌توان به پرسشش «آقای رضایی» به‌سادگی پاسخ داد؛ هرچند اکنون متأسفانه فضا مبهم است.

خب، روشن است که این نقدینگی از مرزهای می‌شوند و توقف سهام منتشر می‌شوند و بسیاری موارد دیگر داخلی و خارجی را نیز می‌توان به‌عنوان عاملان وضعیت موجود نام برد. در وضعیت کلان اقتصادی کشور نیز می‌توان ارائه بودجه

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۹۳۹۳۰۹	۷۴۰۸۸
شاخص قیمت	۲۸۰۱۵۸	۲۶۵۶۱
شاخص کل (هزوز)	۱۶۰۰۲۷۵	۳۵۴۱
شاخص قیمت (هزوز)	۱۲۷۸۱۰۴	۲۸۰۲۰
آزاد شتاور	۸۸۷۰۶۴	۴۱۰۶۷
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۱۲۰۹	۲۰۸۰

جغرافیایی ایران خارج نشده است، تورم را هم که بالا نبرده است، در تولید و بنگاه‌ها هم که وارد نشده است؛ پس روشن است در جایی از اقتصاد، فریز شده است. نکته مهم آن است که در سال‌های گذشته، ضریب تکاثر (فزاینده) پول همواره بین پنج و شش بوده است، انبساط نرخ رشد پایه هم همواره مداوم داشته است.

شاید با نظر به همه آنچه گفته شد، بتوان «سرعت گردش پول» را حلقه مفقوده این ماجرا دانست. رابطه «مبادله پول»، نشان می‌دهد همواره باید بین «حجم پول × سرعت گردش پول» با «قیمت × میزان معاملات اقتصاد» برابر باشد. دقت در این معادله روشن می‌کند، حجم پول افزایش داشته است و در سوی دیگر مبادله، میزان معاملات اقتصاد به میزان انتظار، بالا نرفته است. در یک رابطه بلندمدت اقتصادی، «نرخ تورم + نرخ رشد تولید» باید با «نرخ رشد سرعت گردش پول» برابر باشد. پر واضح است که سال‌های گذشته نرخ نقدینگی همواره بالاتر از «نرخ تورم + نرخ رشد تولید» بوده است. مجموعه همه اینها نشان می‌دهد که سرعت گردش پول بسیار کم شده است. دلیل این سرعت پایین گردش پول هم به عوامل ساختاری اقتصاد ایران ربط دارد. این مشکلات ساختاری، باعث می‌شود رشد نقدینگی نه روی تورم تخلیه شود و نه بر تولید (نرخ رشد اقتصادی).

شاید این پرسش چالش‌برانگیز آقای رضایی در سال پایانی دولت، سیاسی تفسیر شود؛ اما من نمی‌خواهم از آن منظر به آن نگاه کنم؛ چرا که این پرسش، به‌هرحال باید پاسخ داده شود؛ چه سال آخر دولت باشد چه نباشد.

بخش اعظم نقدینگی به شکل شبه‌پول در بانک‌هاست

هادی حق‌شناس، اقتصاددان در پاسخ به این پرسشش که پول‌های کشور در کجا خفته‌اند، چند نکته وجود دارد؛ نخست آنکه در دولت

قبلی نقدینگی هفت‌برابر شد و از ۷۰ هزار میلیارد تومان به حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسید. در این دولت نقدینگی ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی به حدود یک میلیون میلیارد تومان رسید و در واقع دوبرابر شد که نسبت به دولت قبل، فاصله زیادی دارد. در تعریف نقدینگی یکی از اجزا پول (اسکناس، مسکوکات و سپرده‌های دیداری) است و جزء دیگر سپرده‌های مدت‌دار است که در این دولت سپرده‌های مدت‌دار به دلیل نرخ سود دورقمی، افزایش پیدا کرده است و حتی نسبت مسکوکات و اسکناس نسبت به کل سپرده‌ها، براساس آمار شش‌ماهه بانک مرکزی حدود ۲۰درصد کاهش پیدا کرده است. در سمت دیگر تعریف نقدینگی، دو جزء دیگر، پول با بانک مرکزی و دفای بانک‌ها به بانک مرکزی قرار دارد که هر دو به دلیل نرخ سود دورقمی، افزایش این دو ضریب ضریب فزاینده، نقدینگی را تشکیل می‌دهد. وقتی می‌گوییم یک میلیون میلیارد تومان حجم نقدینگی ایران است، این میزان تماماً سکه و مسکوکات یا سپرده دیداری نیست بلکه بخش قابل آن شبه‌پول است که در سمت مسکه سپرده‌های مدت‌دار و در سمت دیگر بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی است؛ بنابراین با لحاظ این نکات می‌توان دریافت که نقدینگی موجود در دست مردم یا همان پولی که در اذهان شکل گرفته، افزایش چندانی نداشته است. در واقع می‌توان گفت اکنون حجم گسترده‌تری از نقدینگی به شکل شبه‌پول نزد بانک‌هاست و در آنجا قفل شده است. اینکه آقای محسن رضایی، عضو تشخیص مصلحت نظام که اقتصادخوانده هم هست، این موضوع را مطرح می‌کند به نظر می‌رسد می‌داند موضوع از چه قرار است. آنچه مسلم است در اینکه متناسب با رفتار رونق و رشد اقتصادی شکل نگرفته است، شکی نیست. اما یک نکته باید در نظر گرفته شود که در سال ۹۵، کشور با ۲۰ میلیارد دلار پول نفت در حال اداره‌شدن است و این ۲۰ میلیارد دلار در سال ۹۵، با حدود صد میلیارد دلاری که در سال ۹۰ بوده، تفاوت اساسی دارد. بالاخره از پول نفت به‌تنها بودجه‌های عمرانی تشکیل می‌شود بلکه بخش مهمی از بودجه‌های جاری هم در محل فروش نفت تأمین می‌شود. مالیات‌ها و سایر منابعی که دولت اخذ می‌کند، جواب‌گوی هزینه‌های جاری و عمرانی نیست.

سال ۹۶ و نرخ دلار و بودجه عمرانی را عامل اثرگذاری بر بازار سهام دانست، به نظر می‌رسد با درپیش‌بودن انتخابات، بودجه‌ای به نسبت بلندپروازانه از طرف دولت ارائه شود، چراکه از طرفی دولت نیازمند جذب رای گروه‌های مختلف است و بودجه کمی دست و دلبازانه‌تر می‌تواند مؤثر باشد. از طرفی ارائه بودجه‌ای محتاطانه چندان امتیازی برای دولت تلقی نمی‌شود، زیرا بخشش «آقای رضایی» به‌صورت پاسخ داد؛ هرچند اکنون متأسفانه فضا مبهم است.

نیز می‌توان ارائه بودجه

لرزه بر طلا این بار با کابینه ترامپ

● **شرق:** امروز متن مذاکرات نشست نوامبر فدرالرزرو آمریکا منتشر می‌شود و کارشناسان معتقد هستند طلا تحت تأثیر انتشار این گزارش قرار می‌گیرد. جانت یلن در سخرنانی هفته گذشته خود اعلام کرد احتمال افزایش نرخ بهره بسیار زیاد است و در صورت تحقق این امر، طلا تحت تأثیر نرخ بهره قرار می‌گیرد. به‌جز این، انتخاب کابینه ترامپ هم می‌تواند بر طلا در روزهای آتی اثرگذار باشد. طلا پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و پیروزی ترامپ با کاهش شدیدی روبه‌رو شد و اکنون تحلیلگران بین المللی بر این باورند که اخبار مربوط به کابینه ترامپ می‌تواند موجب نوسانات شدید بازار طلا شود. افزایش ارزش دلار آمریکا پس از پیروزی ترامپ تأثیر زیادی بر افت شدید قیمت طلا داشته؛ طلا فعلاً توانسته است سطح حمایتی هزارو ۲۰۰ دلاری را حفظ کند. ترامپ قول داده است در ۱۰ سال آینده هزار میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی هزینه کند. به‌جز این، دلار وارد کانال سه‌هزاری ۷۰۰ نموده شد، سایر ارزها هم افزایش درخور توجهی داشتند. کارشناسان عمده دلیل پرش قیمت دلار را نزدیک‌شدن به روزهای اربعین می‌دانستند. ظاهراً از این به بعد باید به‌دنبال دلیلی دیگری برای افزایش قیمت دلار باشیم.

ارز	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۷۰۴	۲۱+
یورو	۴۰۰۵	۴۹+
پوند	۴۶۷۹	۷۵+
درهم	۱۰۱۷	۵+

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱۰۹۵۰۰۰	۵۰۰۰+
طرح جدید	۱۰۱۱۰۰۰۰	۸۰۰۰+
نیم	۵۵۸۰۰۰۰	۴۰۰۰+
ربع	۲۹۵۰۰۰۰	۱۰۰۰+
گرمی	۱۱۵۰۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۱۱۰۰۰۰۰	۵۰۰+
اونس (دلار)	۱۲۰۸۰۵	۷۰،۱-

صدایش سمفونی راز بود

سلیم، تفاوتی بنیادی با دیگر هم‌سنخ‌های خود دارد. کارویژه او، نه مداحی که معلمی است، او مداح زیبایی‌های معنوی و اخلاقی سیدالشهدا است. او با مدحش از حسین، جامعه را به آزادگی، حریت، اخلاق و خوبی فرا می‌خواند. چه برخی مداحانی که در منبر مدح، خضوت و خرافه تبلیغ می‌کنند و چه بسیار آنان که فرصت مداحی را تریبونی برای تبلیغ آرای سیاسی و حزبی خود کرده‌اند. سلیم هرگز چنین نکرد. سلیم هرگز از مدار دیدناری، اخلاق و معنویت خارج نشد و رسالت معلمی و مربیگری خود را فراموش نکرد و دامن خود را به پستی نیالود. او ۵۰ سال در اوج ماند و هرگز آلوده به پلشتی‌های شبه‌مردن نشد. او موسیقی را می‌شناخت و می‌توانست بسیار زودتر از «جوانک‌های یک‌روزه»، به قالب‌های ناساز با فرهنگ عاشورایی روی آورد، اما می‌دانست، آنان که یک‌شبه مجالس نجومی را فتح می‌کنند، هرگز بر مرد بلد نمی‌نشینند. او از کمال انسانی سخن گفت و از بلندی نقشی که زینب ایفا کرد. به‌راستی چه کسی می‌تواند زینب را زیباتر از سلیم بسراید؟ بیان سلیم نزدیک‌ترین روایت به واقعیت عاشورا بود. او مکتب عاشورا را نه با سوسالیسم آمیخت و نه با لمپنیسم آلوده کرد. او محض و مطلق، صدای عدالت‌خواهی حسین را با مظلوماه‌ترین لحن ممکن بیان کرد. در دستک موسیقیایی او، کمترین وجهی از خضوت و خرافه نمی‌توان یافت. او «دانشای زینب بود و خود، حنّ خنجر» بود و «روح یا ایمان». صدای او سمفونی صلح بود. او که می‌خواند، شیویرها خاموش می‌شدند و جنگ هفتادومملت فراموش می‌شد. نوای اذان او، آمدی را به عروج می‌برد. تنها با سمفونی سلیم است که انسان می‌تواند به صدای ابیدت گوش دهد. او با صدای خود، رازهای کهکشان‌ها را باز می‌خواند و «واللّٰه‌شمس کورت» تفسیر می‌کرد. صدای او اسرار مگوی جهان را به پرده می‌کشید. او نقاش نادیده‌ها بود. باید صدای او را گوش می‌دادی و خود را به قالیچه سلیمان می‌سپردی و به سیر آفاق و انفس می‌پرداختی. صدای او مصدر سماع بود. مودن‌زاده تهرانی یک نیت، رمزی بزرگ از یک مکتب عارفانه است. او چهره نمادین عرفان عاشورایی آذربایجان و صدای بلند مردان وزنانی است که «خوب‌زیستن» را با «عاشورایی‌زیستن» آمیخته و آموخته‌اند. در هیچ کجای جهان، نمی‌توان نقاشی زیبایی را که سلیم با صدای لاهوتی خود بر پرده هستی می‌کشید، تجربه کرد. این نقش بی‌بدیل را تنها می‌توان در زیست‌بوم فرهنگی آذربایجان دید؛ یک بار در قامت «سلیم و دود» و بار دیگر در قامت «عالیم و فرغانه». سلیم را باید در تاروپود معنایی فرهنگ آذربایجانی شنید و شناخت. سلیم، نماد آیینی است که عاشورا را فراتر از یک سنت سالانه و فراتر از طبل و دهل، به‌مثابه فرهنگی که رفته رفته تجربه زیسته، پیاده می‌شود و تمام ارکان حیات را در قامت «حسین»، «عباس» و دیگر قدیس‌های اخلاقی عاشورا، بازنمایی می‌کند. آنچه سلیم را سلیم کرده، سنتی فرهنگی در متن آذربایجان است؛ از جنس همان سنتی که شهریار را شهیار کرد. «زینب زینب» سلیم و «حیدر بابا»ی شهیار، تکرار مدام قافیه‌ای عرفانی در قاصیده بلند نبوغ آذربایجانی است.